

- ۱ نگاهی به تربیت اسلامی
- ۳ خانواده؛ ریشه‌ی درخت وجود
- ۴ پرچمدار حقوق زنان

# نقاب

گازانه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نقاب  
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده  
روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)  
شماره ۱۵ - اردیبهشت ۱۴۰۲



آن چیزی که امروز بیش از همه باید در آموزش و پرورش ما به آن توجه بشود، اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی است که در دانش‌آموزان باید احیاء گردد.

۱۳۷۰/۱۰/۲۵

## نگاهی به تربیت اسلامی

فاطمه میرابوالقاسمی  
عضو فعال دانشکده



تعلیم و تربیت در دنیای امروزه خصوصاً با توجه به پیشرفت تکنولوژی جایگاه خاصی دارد. با توجه به اینکه دیدگاه اسلام در این حوزه حائز اهمیت است و باید بدانیم ما به عنوان مسلمان چه نقشی ایفا کنیم لذا به سراغ یکی از کارشناسان حوزه فلسفه و تربیت اسلامی، خانم دکتر شیرین رشیدی - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) - رفتیم و با ایشان درباره موضوع «تربیت اسلامی» گفت‌وگویی داشتیم. مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

### ۱- تعریف شما از تربیت اسلامی چیست؟ و به نظر شما چه تفاوتی با دیدگاه غرب به تربیت دارد؟

در ابتدا معانی مختلفی که برای تربیت گفته شده را می‌گوییم؛ برای مثال جان دیویی در غرب تربیت را «رشد قضاوت صحیح» معنا می‌کند. شهید مطهری به عنوان یکی از اندیشمندان معاصر ما، تربیت را اینطور تعریف می‌کند: «تربیت به فعلیت رساندن و یا شکوفاسازی استعدادهای نهان و بالقوه انسان است». برخی از صاحب‌نظران تربیت را فرآیندی تلقی می‌کنند که انسان را از حالت موجود به حالت مطلوب می‌رساند. برخی به ساحت تربیت، اخلاقی نگاه می‌کنند و آن را معادل «تزکیه، تأدیب و تهذیب» می‌دانند. تربیتی که ما در علوم تربیتی در جستجوی آن هستیم، شاید به واژه تزکیه بسیار نزدیک باشد؛ زیرا در چهار آیه قرآن، تعلیم و تربیت به همراه هم آمده و به جای تعلیم و تربیت از «تعلیم و تزکیه» یاد شده است. تزکیه تنها به معنای پاکسازی نفس نیست و به معنی رشد دادن و افزایش دادن هم معنا شده است. این بدین معناست کسی که تزکیه نفس می‌کند، رشد را درون خودش محقق می‌کند.

معادل‌های دیگری برای تربیت نیز وجود دارد مانند عادت کردن؛ اما خیلی مورد قبول واقع نشده است. عادت با تمرین و تکرار به وجود می‌آید و در آن عقلانیتی وجود ندارد. برخی نیز تربیت را معادل «پرورش» یا «بار آوردن» می‌دانند که این بین انسان و حیوان مشترک است. آن تربیتی که ما تنها مختص انسان در نظر می‌گیریم، بیشتر همان تأدیب و تزکیه است.

حال می‌خواهیم بدانیم تربیت اسلامی به چه معناست؟ به‌خاطر واژه «اسلامی» منظور در اینجا، همان معنای تربیت اما با آبخور و سرچشمه‌ی دینی است؛ یعنی منابع معرفتی آن قرآن و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند. تفاوت این جهان‌بینی با تربیت از دیدگاه مکاتب غربی این است که غرب با نگاهی مادی به سراغ انسان می‌رود اما در تربیت اسلامی به بعد مادی و معنوی انسان توأمان

توجه می‌شود؛ در نتیجه دستورالعمل‌های تربیتی برای هر دو ساحت وجود انسان صادر شده است.

در تعریف تربیت اسلامی می‌توانیم بگوییم: «تربیت فرآیندی است که با کمک آموزه‌های عقل و شرع، انسان را در جهت پیشرفت و وصال به کمال لایق انسانی یاری می‌دهد». در اینجا انسان هم از عقل و هم از شرع استفاده می‌کند. فلاسفه مسلمان هرکدام به یک منبع معرفتی (عقل، استدلال، دل و...) تکیه داشته‌اند اما ملاصدرا بیان کرد که انسان هم حس و عقل دارد و هم از وحی

باید استفاده کند؛ یعنی جامعیت منابع را در نظر گرفت. به این خاطر مکتب ملاصدرا را «حکمت متعالیه» نام نهاده‌اند. در نتیجه از روش‌های عقلی و نقلی به طور همگام باید استفاده کرد تا برای ساختن انسان نسخه‌ی جامعی بتوان ارائه داد.

باید توجه داشت تربیت نقش سازندگی ایفا می‌کند و به این معنا نیست که انسان مجبور باشد؛ اینکه نتیجه تربیت در خانواده بر دو فرزند متفاوت می‌تواند باشد خود مؤید اختیار انسان است. در اینجا پی می‌بریم تعریفی که شهید مطهری از تربیت ارائه می‌دهد، بسیار دقیق است و نشان‌دهنده‌ی عاملیت انسان است.

### در دیدگاه غرب، هدف از تربیت با توجه به اینکه نگاهی مادی به انسان دارند چیست؟ کدام مکتب از مکاتب غربی مدنظر شماست؟

مکتبی که در حال حاضر بیشتر حاکم است.

تفکری که در حال حاضر برجسته است، تجربه‌گرایی (سودمندگرایی و ابزارگرایی) است. این مکاتب انسان را فاعل مختار تلقی نمی‌کنند بلکه انسان را مجبور و تابع محیط می‌دانند. آنها نسبت‌گرا هستند و عقیده دارند انسان تابع زمان، مکان و شرایط است و باید خودش را با آن وفق دهد. به عقیده آنها اصالت با منفعت شخصی است. در قرآن کریم، سوره حشر آیه ۲۴ می‌فرماید: «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّىٰ» شما آنها را جمع و متفق می‌پندارید در حالی که دل‌هایشان سخت متفرق است.

کسانی که رابطه دوستی‌شان بر محور خدا نیست، شما فکر می‌کنید با هم جمع هستند ولی در واقع دل‌هایشان از هم جداست. آن دوستی‌ای که در قرآن بر محور ایمان به خدا وجود دارد با این متفاوت است. اگر در روابط خانوادگی یا اجتماعی مینا «خدا» باشد، دیگر «من» وجود ندارد.

تمام تعلیم فلسفی-عرفانی در پی این بوده‌اند که به انسان بیاموزند منیت خود را معیار قرار ندهد، مفهومی که در مبانی انسان‌شناختی اسلامی تحت عنوان «حب الذات» به معنای خوددوستی وجود دارد، با منیت و عجب متفاوت است. خوددوستی یعنی فرد احساس خود ارزشمندی داشته باشد و برای خود شأن انسانی قائل باشد. به‌خاطر شهرت، ثروت یا منافع شخصی، روابط انسانی را زیر پا نگذارد؛ ولو اگر به ضررش باشد و جان و مالش را به خطر بیفتد. انسان در حب الذات یک ارزیابی واقع‌بینانه و



اوقات فراغت، فرصت خوبی برای استعدادیابی است. پدر و مادر می‌توانند در این زمینه بسیار مؤثر باشند و دریابند که فرزندشان در چه شاخه و هنری استعداد دارد. مهارت دارد. علاوه بر این مشاوره گرفتن نیز کمک‌کننده است. مراکز مشاوره که مشاوره شغلی یا تحصیلی به افراد ارائه می‌دهند نگاه تخصصی دارند؛ نگاهی که شاید والدین نداشته باشند.

نکته‌ی قابل توجه دیگر، گفت‌وگو و معاشرت با افراد موفق یا حتی در معرض آنها قرار گرفتن است. چه بسا افرادی در اثر دوستی با یک فرد موفق، به رشته‌ی آن شخص علاقه‌مند می‌شوند.

حال که درباره‌ی تربیت اسلامی سخن می‌گوییم، مطالعه‌ی سیره‌ی انبیاء، علماء و قاصص قرآنی می‌تواند بسیار سودمند باشد و داستان‌هایی که والدین برای فرزند خود انتخاب می‌کنند می‌تواند از قبیل این داستان‌ها باشد؛ آن هم به گونه‌ای ساده و مصور.

**۲- والدین، خانواده و جامعه هر کدام چه وظیفه‌ای برای تحقق تربیت اسلامی دارند؟**

به طور کلی، خانواده باید بسترسازی کند؛ یعنی ذهن و فضای فکری فرزند را ساخته و شرایط و امکانات را برای رشد او فراهم کند. گاهی هم ممکن است خانواده‌های این بستر را فراهم نکنند اما نتیجه‌ی مثبتی به بار آید که این حاصل جد و جهد آن فرد باشد.

بسترسازی و مساعد کردن شرایط به چه معناست؟ یکی از مصادیق آن کلاس‌هایی است که والدین، فرزندان خود را به شرکت در آنها توصیه می‌کنند. این کلاس‌ها باید هدفمند باشند و وقت فرزند را تلف نکنند. ابتدا باید برای فرزند استعدادیابی صورت گیرد تا والدین بدانند در کدام زمینه سرمایه‌گذاری کنند.

والدین به افرادی که فرزندشان با آن رشد می‌کند هم باید توجه داشته باشند؛ مثلاً انتخاب دوست بسیار مهم است چرا که فرزندان از هم‌سن‌وسالان خود به شدت تأثیرپذیر هستند. گاهی اوقات هم کودکانی هستند که مادران شاغل دارند و با پدر بزرگ، مادر بزرگ و یا اقوام خود زندگی می‌کنند؛ برای این افراد در واقع آن قوم و خویش نقش پدر و مادر را ایفا می‌کند. به طور کلی غذای فکری کودک باید تحت مدیریت و کنترل باشد. ممکن است این غذا از طریق رسانه‌ها، کتاب‌ها و... هم تأمین شود که باید کنترل غیرمستقیم در این موارد داشت چون تربیت غالباً به طور غیرمستقیم است. مثلاً در مورد فضای مجازی، مدیریت آن به معنای

محرومیت کودک نیست؛ بلکه منظور دسترسی محدود و مشخص کودک است. محرومیت باعث می‌شود وی حریص‌تر شده و پنهان‌کاری کند. این مسئله در حالی باعث سلب اعتماد در ذهن کودک می‌شود که در فضای خانواده باید «اعتماد» حاکم باشد و پدر و مادر بهترین و صمیمی‌ترین دوست فرزند خویش باشند.

**۳- به نظر شما امروزه در دانشگاه‌ها رشته‌هایی چون علوم تربیتی، روانشناسی و...، چقدر به تربیت از بعد اسلامی می‌پردازند؟ چیزی که امروزه بیشتر دیده می‌شود، غالب بودن منابع غربی و نبود یا کمبود منابع بومی‌شده داخلی است.**

در اماکن آموزشی یا نهاد تعلیم و تربیت که می‌تواند آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی باشد، مسئله‌ای بسیار مهم و اثرگذاری «منابع انسانی» است؛ یعنی مهم است که سیستم‌های گزینش معلمان یا اساتید طوری باشد که آن فرد از حیث اخلاقی، رفتاری و عقاید، شاخص باشد و معلم با آنچه در تعلیم و تربیت اسلامی از آن صحبت می‌شود، سازگاری نسبی داشته باشد؛ چرا که معلمان و اساتید تأثیرگذاری زیادی بر دانش‌آموزان و دانشجویان خود می‌توانند داشته باشند.

برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌هایی که به منظور خودشناسی برگزار می‌شود هم می‌تواند مؤثر باشد. افرادی هستند که در مقطع کارشناسی یا بالاتر هم نمی‌دانند به چه منظور ساخته شده‌اند و در چه زمینه‌ای استعداد دارند. باید روحیه‌ی تحقیق در مدارس ایجاد شود. اگر انسان‌هایی با مهارت تصمیم‌گیری قوی تربیت شوند، این افراد در هر عرصه‌ای که بخواهند انتخابی داشته باشند از قبیل رشته، شغل، ازدواج و...، انتخاب‌های به نسبت درستی خواهند داشت.

مسئله‌ی دیگری که باید در محیط‌های آموزشی و خانواده بدان توجه شود، فرهنگ «کار» است؛ اینکه در خانواده به بچه‌ها مسئولیت داده شود حائز اهمیت است. تک‌فرزندی، نازپروردگی و... آسیب به شمار می‌آید. همین تک‌فرزندی است که باعث می‌شود فرد تک‌بعدی بار بیاید. چنین فرزندى شاید نیاموزد که چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند. بنابراین بسیار مهم است که فرزند را متعهد و مسئولیت‌پذیر پرورش دهیم و به آنان تفویض اختیار کنیم و نقش دهیم. حتی یک معلم در کلاس باید فرهنگ تعاون و همکاری را به وجود بیاورد، چون در کار گروهی تقسیم وظایف انجام می‌شود، همه چیز به سرعت پیش می‌رود، هم‌افزایی صورت می‌گیرد و در نهایت نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

**۴- در جهت تحقق تربیت و شکوفا کردن استعداد فرزندان، در حال حاضر در مدارس تا چه اندازه استعدادسنجی می‌شود؟**

عقلانه از خود دارد اما در عجب و تکبر، ارزیابی او از خود غیرواقع‌بینانه است؛ چون خودش را بیشتر از آن چیزی که است می‌بیند و حق بیشتری برای خود قائل است.

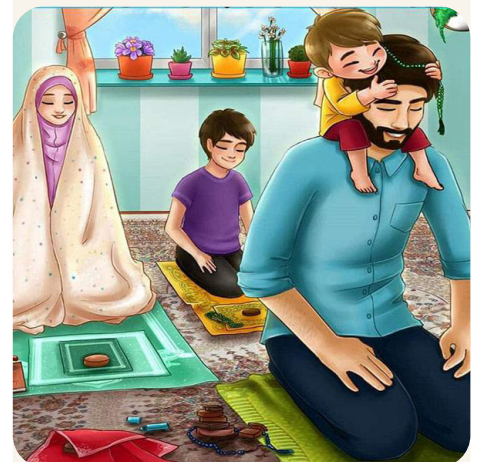
البته اگر فرد خود را کم‌رنگ ببیند و دچار ذلت نفس شود، آن هم مورد پذیرش دین نیست. خداوند از ما خواسته با عزت زندگی کنیم به این معنا که همانقدری که هستیم از خود و دیگران متوقع باشیم، آسیبی به دیگران نرسانیم و خیرخواه باشیم.

**۲- والدین، خانواده و جامعه هر کدام چه وظیفه‌ای برای تحقق تربیت اسلامی دارند؟**

به طور کلی، خانواده باید بسترسازی کند؛ یعنی ذهن و فضای فکری فرزند را ساخته و شرایط و امکانات را برای رشد او فراهم کند. گاهی هم ممکن است خانواده‌های این بستر را فراهم نکنند اما نتیجه‌ی مثبتی به بار آید که این حاصل جد و جهد آن فرد باشد.

بسترسازی و مساعد کردن شرایط به چه معناست؟ یکی از مصادیق آن کلاس‌هایی است که والدین، فرزندان خود را به شرکت در آنها توصیه می‌کنند. این کلاس‌ها باید هدفمند باشند و وقت فرزند را تلف نکنند. ابتدا باید برای فرزند استعدادیابی صورت گیرد تا والدین بدانند در کدام زمینه سرمایه‌گذاری کنند.

والدین به افرادی که فرزندشان با آن رشد می‌کند هم باید توجه داشته باشند؛ مثلاً انتخاب دوست بسیار مهم است چرا که فرزندان از هم‌سن‌وسالان خود به شدت تأثیرپذیر هستند. گاهی اوقات هم کودکانی هستند که مادران شاغل دارند و با پدر بزرگ، مادر بزرگ و یا اقوام خود زندگی می‌کنند؛ برای این افراد در واقع آن قوم و خویش نقش پدر و مادر را ایفا می‌کند. به طور کلی غذای فکری کودک باید تحت مدیریت و کنترل باشد. ممکن است این غذا از طریق رسانه‌ها، کتاب‌ها و... هم تأمین شود که باید کنترل غیرمستقیم در این موارد داشت چون تربیت غالباً به طور غیرمستقیم است. مثلاً در مورد فضای مجازی، مدیریت آن به معنای



پرونده ویژه

# خانواده؛ ریشهی درخت وجود

## نگاهی به نقش خانواده در تربیت فرزند

سیده حانیبه حسینی  
عضو فعال دانشکده



زمانی که انسان متولد می‌شود، اولین نهادی که در آن قرار دارد، خانواده است و شخصیت و ویژگی‌های اساسی انسان در این نهاد شکل می‌گیرد. در این یادداشت قرار است به نقش‌های تربیتی اعضای خانواده در شکل‌گیری شخصیت انسان بپردازیم.



### نقش مادر در تربیت فرزند

همانطور که می‌دانیم مادران اساسی‌ترین نقش را در تربیت فرزند به عهده دارند و به عنوان معمار تربیتی فرزند شناخته می‌شوند. اگر به درستی نقش خود را ایفا کنند، موجب ایجاد پیشرفت در تمامی زمینه‌های جامعه خواهند شد. در دین اسلام نیز بر تأثیر شخصیت مادر بر فرزند حتی قبل از تشکیل جنین و همچنین در دوران بارداری بسیار تأکید شده. عواملی چون ایمان و باور قلبی، تقوا، اخلاق، اعتقادات و تغذیه مادر همه از عوامل مهم و تأثیرگذار به شمار می‌آیند. مادر به دلیل شیردهی و نگهداری از فرزند بیشترین تأثیر را در تربیت فرزند دارد. از جمله مهم‌ترین وظایفی که برعهده مادران است، ایجاد روابط عاطفی با فرزند است؛ چرا که مادر می‌تواند بهترین تکیه‌گاه عاطفی برای کودک باشد و بیشترین شکوفایی و رشد استعدادها را در فرزند خود فراهم آورد.

### شاغل بودن مادران

اما شاغل بودن مادران در تربیت فرزند تأثیر مثبت می‌گذارد یا منفی؟  
بر اساس نظر روانشناسان، کودک در بدو تولد خود اولین ارتباط را با مادر برقرار می‌کند و نبود حضور کافی مادر و در نتیجه ارضا نشدن این نیاز، باعث ایجاد حس ناامنی در کودک می‌شود و ادامه‌ی مراحل رشد را با اختلال مواجه می‌سازد. هرچند که شاغل بودن مادر بعد از اتمام چند سال حساس اول، به شرط آن که خانواده و تربیت فرزند را از اولویت نیندازد، مانعی ندارد. البته این هم باید توجه داشت امروزه با پیشرفت تکنولوژی، شغل فقط در محیط بیرون از تعریف نمی‌شود.

در مقاله‌ی «قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده» حسین هاشمی، پژوهشگر حوزه تربیت می‌خوانیم: دکتر بنیامین اسپاک روانپزشک آمریکایی و متخصص کودکان در کتاب تغذیه، کودک و تربیت خود می‌نویسد: «من امیدوارم در حالی که انتظار جامعه انسانی‌تر را داریم، مردان و زنانی باشند که احساس کنند مراقبت از کودکان و خانه، دست‌کم به اندازه هر فعالیت دیگری، مهم و ارزشمند است و هیچ زن و مردی تصور نکند که برای انتخاب این راه احساس شرمندگی کند».

اگر از دید اسلام نیز بخواهیم این مسئله را بررسی کنیم، می‌توانیم به بیانات رهبر انقلاب درباره‌ی اشتغال زنان مراجعه کنیم: «بعضی‌ها از ما می‌پرسند: شما موافقید زن‌ها بروند کار کنند؟ ما می‌گوییم: البته، ما با بیکاری خانم‌ها مخالفیم؛ زن اصلاً باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است؛ اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد، خیلی هم خوب است. منتها یک شرط دارد، باید جوری باشد که این اشتغال - حتی در داخل خانه - به پیوند زن و شوهر لطمه‌ای نزند.» و در جایی دیگر می‌فرماید: «اشتغال بانوان از جمله‌ی چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکت‌های اجتماعی موافقم... منتها دو سه تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت‌الشعاع قرار ندهد... [و] دومین مسئله، مسئله‌ی محرم و نامحرم است».

### نقش پدر در تربیت فرزند

اگرچه مادر نقش بنیادی و اساسی در تربیت فرزند دارد ولی برخلاف تصور عموم مردم، پدران نیز در تربیت فرزندان نقشی اساسی دارند و در واقع در نقش مدیریت تربیت خانواده حضور می‌یابند. پدران تأثیر بسزایی در ایجاد اعتماد به نفس به ویژه در دختران و مقابله با استرس به ویژه در پسران دارند؛ چرا که پدران در زندگی بیشتر با موقعیت‌های استرس‌زا مواجه می‌شوند و نحوه‌ی مدیریت آنها به عنوان یک الگو در ذهن پسران نقش می‌بندد. در واقع کودکانی که ارتباط صمیمی‌تر و بهتری با پدر خود دارند، کمتر دچار افسردگی و ناراحتی می‌شوند.

### تأثیرات طلاق بر فرزند

طلاق به‌طور بالقوه تأثیرات و آسیب‌های مهمی بر کودکان دارد که در گروه‌های مختلف سنی کودکان، متفاوت است. از جمله تأثیرات آن، ترس از ترک شدن و طردشدگی است؛ چرا که کودکان، خود را در مرکز جهان می‌دانند و هر اتفاقی را با خود مرتبط



می‌دانند و احساس می‌کنند در این اتفاق مؤثر بوده‌اند. حتی نوجوانان پرخاشگر نیز ممکن است به این باور برسند.

همچنین ممکن است احساس ناتوانی به دلیل نداشتن توانایی برای برقرار کردن ارتباط دوباره بین پدر و مادر و احساساتی چون بلاتکلیفی، اندوه، اضطراب، افسردگی، تنهایی و خشم به دلیل حس درک نشدن پیدا کنند.

### تأثیر روابط والدین بر تربیت فرزندان

از مهم‌ترین عوامل در تربیت فرزندان، نوع روابط بین پدر و مادر است. ارتباط صحیح پدر و مادر با یکدیگر، پایه‌گذار رشد و پرورش اخلاقی کودکان است؛ یعنی طرفین در امر مبادله‌ی اطلاعات و احساسات در فضایی مناسب مشارکت کرده و با یکدیگر هماهنگی داشته باشند و در این ارتباط هر دو احساس ارزشمندی کنند.

از جمله علل ایجاد این روابط، وجود فضای مهر و محبت در خانه و نبود عداوت و کینه نسبت به یکدیگر است. افراد خانواده باید خود را ملزم به ابراز محبت به یکدیگر بدانند؛ به ویژه پدر و مادر که باید آرامش و ثبات را در خانه گسترش دهند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های الهی آن است که از خودتان برای شما جفت‌هایی آفرید تا در کنارشان بیارمید و در میانتان دوستی و مهر نهاد...».

جو نارام، تأثیر مخربش را در شخصیت فردای کودک به جای خواهد گذاشت. بسیاری از کودکان منحرف و فراری یا کسانی که در بزرگسالی به بزهکاری کشیده شده‌اند، ردپای نبود آرامش و آسایش در جو خانواده یا تشنج در روابط بین پدر و مادر دیده می‌شود. این مورد برای اختلال‌های رفتاری و بعضاً بیماری‌های روانی هم صادق است.

### و اما تک فرزندی!

از جمله مزایای تک‌فرزندی، رابطه‌ی قوی با والدین و مستقل بودن نسبت به سایر کودکان است اما معایبی چون حمل بار انتظارات والدین، مسئولیت انحصاری مراقبت از والدین و همچنین رشد دیرتر نسبت به سایر کودکان باعث می‌شود مزایای آن به حاشیه برود. در خانواده‌های پرجمعیت بالعکس است. رقابتی بین فرزندان صورت می‌گیرد و کودکان مهارت‌ها را از یکدیگر یاد می‌گیرند. آنها می‌توانند در مسائل مختلفی به یکدیگر کمک کنند و با تعاملی که باهم دارند، فرآیند اجتماعی‌شدنشان را سرعت بخشند.

در نتیجه خانواده اولین و اساسی‌ترین گام را در تربیت افراد جامعه برمی‌دارد و تک‌تک رفتار افراد خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مشکلاتی که افراد در سنین نوجوانی و بزرگسالی با آن مواجه می‌شوند ریشه در کودکی آنها و تربیت خانوادگیشان دارد. توصیه‌های فراوان دین اسلام برای تربیت فرزندان نیز حکایت از اهمیت این موضوع دارد و شایسته است ما تمام تلاش خود را در جهت تربیت صحیح کودکان انجام دهیم.

# پرچمدار حقوق زنان

## آزادی یا اسارت؟

ریحانه محمدی  
عضو فعال دانشکده



«... در دوره‌ی پیش از انقلاب، زنان فرزانه، فهمیده، دانشمند، تحصیل کرده، اهل تحقیق و صاحب پژوهش در زمینه‌های مختلف، انگشت‌شمار بودند؛ این همه استاد دانشگاه زن، این همه پزشک متخصص و فوق تخصص زن، این همه دانشمند محقق در بخش‌های مختلف — اینکه می‌گویم بخش‌های مختلف واقعاً جاهایی است که خودم رفته‌ام، دیده‌ام، بازدید کرده‌ام — دانش‌های پیشرفته، فناوری‌های پیشرفته، زنان دانشمند، زنان فرهیخته آنجا مشغول کار هستند. این در پیش از انقلاب سابقه نداشت؛ این کاری است که انقلاب کرد. این همه دانشجوی دختر، که در بعضی از سال‌ها شما می‌بینید دانشجویهای دختر در آمریکا بیشتر از دانشجویهای پسرند. [این] خیلی معنی دارد؛ این همه میل به تحصیل علم. بعد در میدان‌های ورزشی؛ شما ببینید، دخترهای ما می‌روند در میدان‌های ورزشی، قهرمان می‌شوند، طلا می‌گیرند با حجاب اسلامی؛ کدام تبلیغ برای حجاب بهتر از این است؟»

(۱۴ دی ۱۴۰۱، دیدار با اقشار مختلف بانوان)



پیرو مسمومیت دانش‌آموزان دختر و حملاتی که در پی آن به موضوع زنان در ایران وارد آمد و جمهوری اسلامی را مسئول آن معرفی کردند، وظیفه‌ی خود دانستیم به مسئله‌ی زنان و حقوق زنان در ایران و جهان بپردازیم.

## خدمات جمهوری اسلامی به زنان و خدمات زنان به جمهوری اسلامی

در حال حاضر ما شاهد این هستیم به همان مقدار که انقلاب زمینه‌های شکوفایی بانوان کشورمان را فراهم کرده است، آنها هم در راه سربلندی ایران اسلامی تلاش‌های شایان ستایشی را انجام داده‌اند.

طبق آمار رییس سازمان نهضت سوادآموزی در سال ۱۴۰۱، ۹۷ درصد مردم ایران باسواد هستند. به گزارش بانک جهانی در سال ۱۳۵۰ نسبت دختران در حال تحصیل در مقطع ابتدایی به پسران در حال تحصیل در همین مقطع، نزدیک

به ۳۵٪ بوده است. در سال ۱۳۹۳ این عدد به ۵۰ درصد رسید.

به گزارش معاونت اداری مالی وزارت علوم در سال ۱۴۰۱، سهم زنان در عضویت هیأت علمی دانشگاه‌ها ۳۵٪ بوده و ۵۵٪ از دانشجویان کشور، بانوان هستند. همچنین از سال تحصیلی ۸۰-۸۱ تا ۹۹-۹۸، اعضای هیأت علمی زن از ۷ هزار و ۱۸۱ به ۲۴ هزار و ۳۳۴ استاد رسیده است؛ یعنی رشدی بیش از سه برابر در یک دهه!

به گفته‌ی وزیر بهداشت در سال ۱۴۰۱، از ۲۱ هزار و ۱۶۶ عضو هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور، ۹ هزار و ۳۴۰ نفر از آنها را بانوان تشکیل می‌دهند؛ یعنی حدود ۴۴٪! همچنین تعداد پزشک‌های زن پیش از انقلاب ۳۵۰۰ نفر بوده در حالی که هم اکنون ما ۶۶ هزار پزشک زن داریم.

بعد از انقلاب اسلامی، زنان نهادهای بسیاری را با رویکردهای فرهنگی تربیتی، کارآفرینی، خیریه‌ای و حتی پژوهشی راه‌اندازی کرده‌اند که در حال حاضر، تعداد آنها به هزاران کانون و نهاد غیردولتی می‌رسد. طبق آمار معاونت امور زنان و خانواده در سال ۱۳۹۷ بیش از ۲۷۰۰ سمن (سازمان‌های مردم‌نهاد) مربوط به امور زنان در استان‌های مختلف کشور فعالیت می‌کنند.

به گزارش بانک جهانی امید به زندگی بانوان در ایران در سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۸ شمسی) نزدیک به ۵۷ سال بوده که در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) به نزدیک ۷۷ سال افزایش پیدا می‌کند.

## منزلت و جایگاه زن در جوامع غربی

برخلاف ادعای کاذب دولت‌مردان و رسانه‌های غربی درباره‌ی حقوق زنان و آزادی بیان، آمارها و اخبار نشان‌دهنده‌ی حقایق ناگواری هستند. دردناک است همین جوامع غربی که نگاهشان به زن به عنوان ابزار و کاملاً تهی است، جمهوری اسلامی را به محدود کردن و کم ارزش شمردن زنان متهم می‌کنند.

به گفته‌ی رادیو ملی آمریکا (npr)، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶، آمار افزایش خودکشی در زنان در مقایسه با مردان بیشتر بوده؛ ۲۱٪ برای پسران در مقایسه با ۵۰٪ برای دختران و زنان.

طبق آمار سازمان ملل متحد در کشور آمریکا، سرپرست اقتصادی ۴۷٪ از خانوارها زنان هستند. این آمار در کشور فرانسه ۴۹٪ و در کشور لوکزامبورگ ۵۹٪ است. این آمار در جمهوری اسلامی ایران ۱۲٪ است.

به گزارش یورونیوز، در کشورهای مراکش، نروژ، سوئد، کره شمالی و چین سربازی زنان اجباری بوده و بانوان را در بعضی مواقع مجبور به انجام کارهایی برخلاف طبیعت و روحیه‌ی آنها می‌کنند.

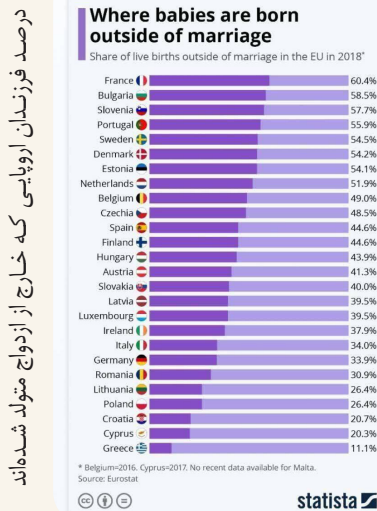
## ضربه به بنیان خانواده

هنگامی که جایگاه بانوان به درستی شناخته نشود، آسیب‌های زیادی به جامعه-مخصوصاً خانواده- وارد می‌شود.

به جز چند کشور، مابقی ۳۳ کشوری که ازدواج همجنس‌گرایان را قانونی می‌دانند، اروپایی و آمریکایی هستند. حقوقی که در این کشورها

برای همجنس‌بازها قائل شده‌اند، موجب فاجعه‌های دردناکی شده است.

در سال ۲۰۲۳ یک زوج در شهر لوگانویل جرجیا به اتهام وادار کردن دو فرزندخوانده‌ی خود به حضور در پورنوگرافی کودکان بازداشت شده‌اند. به گزارش فاکس نیوز این زوج، در واقع دو مرد همجنس‌باز هستند که طبق قوانین ایالتی فلوریدا با هم ازدواج کرده‌اند. در آن دسته از ایالات آمریکا که ازدواج منحرفین جنسی و همجنس‌بازان قانونی است، کودکان فاقد سرپرست یا بدسرپرست را برای نگهداری به این افراد واگذار می‌کنند. به عبارت دیگر، از نظر قانون این ایالات، منحرفین جنسی افرادی صالح و دارای شایستگی برای



درصد فرزندان اروپایی که خارج از ازدواج متولد شده‌اند

حضانت کودکان به حساب می‌آیند. حرکت ما درباره‌ی مسئله‌ی زنان دفاعی نیست؛ بلکه با وضعی که کشورهای غربی دارند، تهاجمی است. آن چیزی که آنها نسبت به اسلام می‌گویند خلاف واقع است و عیناً در مورد خودشان صادق است؛ چراکه در نظام سرمایه‌داری، سرمایه بالاتر از انسانیت است.

«...[در نگاه اسلام] زن در جای برجسته‌ی خود، مرد هم در جای برجسته‌ی خود، و هر دو برخوردار از امتیازات قانونی، فکری، نظری و عملی؛ بر خلاف نظام ارزش‌گذاری و سرمایه‌داری غرب...» (۱۴ دی ۱۴۰۱، دیدار با اقشار مختلف بانوان)

## صاحب امتیاز: انجمن اسلامی

دانشجویان مستقل دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه قدیمی

ویراستار: هانیه سلحشور

صفحه‌آر: ریحانه محمدی

هیئت تحریریه: سیده حانیه حسینی،

فاطمه میرابوالقاسمی، ریحانه محمدی